

فهرست

۲۴..... غفلت کاری شقی	۷..... دیبای سخن
۲۶..... ۷. یاد خدا	۸..... ۱. روزه داری
۲۶..... یاد خدا در همه حال	۸..... روزه داری راستین
۲۶..... در شب معراج	۹..... پیشوای ساجدان
۲۷..... داستان آن آهنگر	۱۱..... ۲. رضای الهی
۸. یتیم نوازی و دستگیری از نیازمندان	۱۱..... اهمیت رضا به قضای الهی
۲۹..... جامعه	۱۲..... مرگ کودک
نیکی یتیم نوازی و دستگیری از	۱۲..... دوست بهشتی
۲۹..... نیازمندان	۱۴..... ۳. خردورزی و دوری از نادانی
۲۹..... مسافر	۱۴..... حال نیک خردورزان
۳۰..... پدر یتیمان	۱۵..... ارزش انسان ها
۳۲..... ۹. عاقبت به خیری	۱۵..... نابخردان
۳۲..... بصیرت و عاقبت به خیری	۱۷..... ۴. شکرگزاری
۳۲..... تازه مسلمان	۱۷..... اهمیت شکر
۳۳..... پیر مراد یافته	۱۸..... بنده ای شکرگزار
۳۶..... ۱۰. توکل	۱۹..... ۵. توبه
۳۶..... خدامحوری	۱۹..... اهمیت توبه
۳۷..... اعتماد به خدا	۱۹..... شرایط توبه
۳۹..... ۱۱. نیکوکاری	۲۰..... توبه مقبول
۳۹..... نیک سیرتان	۲۲..... توبه پذیری خداوند
۴۰..... یک شاخه گل	۲۳..... ۶. غفلت
۴۰..... امام نیکان	۲۳..... غفلت در دنیا

۱۲. عفت و پاکدامنی	۴۲
پاکی و پاکدامنی	۴۲
حقیقت پاکدامنی	۴۲
رعایت عفت عمومی	۴۳
۱۳. صبر	۴۵
اهمیت صبر	۴۵
پاداش صبر	۴۶
۱۴. رحمت و مهربانی پروردگار	۴۷
رحمت و بنده نوازی خدا	۴۷
خدای مهربان	۴۸
خدای بنده نواز	۴۹
۱۵. فروتنی	۵۰
خاکساری و فروتنی	۵۰
حج امام سجاد (ع)	۵۱
تندیس فروتنی	۵۱
۱۶. همنشینی با خوبان	۵۳
دوست خوب کیست؟	۵۳
دوری از دوست بد	۵۳
دل مؤمنان	۵۴
۱۷. دنیاپرستی	۵۶
حقیقت دنیا	۵۶
ساده زیستی فاطمه (ع)	۵۷
توصیه به ساده زیستی	۵۸
پرهیز از تجمل گرایی	۵۹
۱۸. شب زنده داری و نماز شب	۶۰
ارزش شب زنده داری و نماز شب	۶۰
نشانه شیعه	۶۱
شبی با علی (ع)	۶۲
۱۹. انجام امور خیریه	۶۳
انجام خیرات	۶۳
شتاب در امر خیر	۶۴
عاقبت تأخیر در کار خیر	۶۴
۲۰. تلاوت قرآن	۶۶
همنشینی با قرآن	۶۶
قرآن به جای شعر	۶۷
عاقبت یک قاری	۶۷
۲۱. شیطان	۶۹
ایستادگی در مقابل شیطان	۶۹
شکر شیطان	۷۰
یاد خدا	۷۱
۲۲. فضل پروردگار	۷۲
حقیقت فضل خدا	۷۲
شرط امیدواری	۷۳
بخشش الهی	۷۳
۲۳. گناه	۷۵
حقیقت گناه	۷۵

اعضای بدن و گناه	۷۶
دوری از گناه	۷۷
۲۴. تقوی و پارسایی	۷۸
پاداش تقوی	۷۸
پاداش پارسایان	۷۹
۲۵. محبت خاندان وحی (ع)	۸۲
پاداش دوستی اهل بیت (ع)	۸۲
ادعای دوستی اهل بیت (ع)	۸۲
شیعه راستین	۸۳
۲۶. عیب پوشی از دیگران	۸۵
زیبایی عیب پوشی	۸۵
نکوهش عیب جویی	۸۶
عیب جویان در قیامت	۸۶
۲۷. فضیلت شب قدر	۸۷
عظمت شب قدر	۸۷
درخواست شب قدر	۸۸
آفتاب بی شعاع	۸۸
گرمی یک آه	۸۹
۲۸. نماز	۹۰
اهمیت نماز	۹۰
ارکان نماز	۹۱
دندان بی نماز	۹۱
۲۹. تهمت	۹۳
زشتی تهمت	۹۳
تهمت زشت	۹۴
دیگر گناهان زبان	۹۴
گناهی بزرگ	۹۵
۳۰. ولایت	۹۶
ولایت پذیری	۹۶
دو یادگار	۹۷
منبرهایی از نور	۹۸
فهرست منابع	۱۰۰

دیبای سخن

رمضان از راه می رسد: همان بهار بندگی و طاعت؛ همان بهار تازگی و طراوت که دل را در چشمه سار خود می شوید و جان را در نسیم خود تازه تر می سازد. و زمان، فرصت بیداری و زنده دلی است تا در سایه سار شاخ و برگ سبز آن، به آگاهی برسیم: آگاهی از خود، آگاهی از خدا، آگاهی از هستی. باید قدر این فرصت ناب را دانست و در این درنگ تأمل برانگیز، خویشتن را یافت و از لحظه ها و ثانیه های ناب آن و رخصتی که خدا به بندگانش داده، بیش تر بهره برد.

یکی از بهترین قدردانی ها در این ماه، خواندن قرآن و دعاهاى این ماه است. دعاهاى هر روز ماه رمضان، ادعیه ای پر مغز و ژرف است که تأمل در معانی آن فرصت زنده شدن دوباره را به روح و دل خسته روزه داران ماه ضیافت الهی می دهد. بر این روی، در کتابی که اکنون در دست شماست، بر آن شدیم تا با شرح و توضیحی هرچند اندک، به رمزگشایی پیام های ارزشمند هر روز ماه مبارک رمضان پردازیم. تا بهانه ای برای درنگی بیش تر باشد. امید آن که، در این ضیافت بزرگ سهمی در خدمت به میهمانان ماه خدا داشته باشیم.

بمنه و کرمه

ابوالفضل هادی منش - رجب ۱۴۳۴

hadimanesh1@gmail.com

روزه‌داری

دعای روز اول:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ صِيَامَ الصَّائِمِيْنَ، وَ قِيَامِيْ فِيْهِ قِيَامَ الْقَائِمِيْنَ، وَ نَبِّهْنِيْ فِيْهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِيْنَ، وَ هَبْ لِيْ جُزْمِيْ فِيْهِ يَا اِلَهَ الْعَالَمِيْنَ، وَ اعْفُ عَنِّيْ يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ.

خدایا در این روز روزه‌ام را روزه روزهداران و شب‌زنده‌داریم را شب زنده‌داری شب زنده‌داران قرار ده و در آن از خواب بی‌خبران آگاهم کن و گناه‌ها را ببخشا و در گذر از من ای بخشاینده گناهکاران.

روزه‌داری راستین

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه روزه گرفتی پس باید گوش و چشم و موی تو نیز روزه باشد. امام چیزهای دیگری نیز غیر از اینها را بر شمرد و فرمود: نباید روزی که روزه هستی با روزی که روزه نیستی یکسان باشد».^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چه بسا شب‌زنده‌داری که بهره‌اش از شب زنده‌داری اش فقط ایستادن [و شب بیداری] است و چه بسا روزه‌داری که بهره‌اش از روزه‌داری، فقط عطش و تشنگی است».^۲

اندرون از طعام خالی دار	تا در او نور معرفت بینی
تهی از حکمتی به علت آن	که پُری از طعام تا بینی

پیشوای ساجدان

حضرت سجاد علیه السلام اشتباهات غلامان خود را در طول ماه رمضان با ذکر تاریخ و مورد آن یادداشت می‌فرمود سپس آخر ماه رمضان، غلامان خویش را جمع کرده و از آنها اقرار می‌گرفتند که چنین اشتباهی از آنان سر زده است. سپس در میان حلقه آنها می‌ایستادند و می‌فرمودند که آنچه را من می‌گویم تکرار کنید؛ «ای علی بن حسین! همان طوری که ما غلام و بنده تو هستیم و تو اشتباهات ما را ثبت کرده‌ای، خدا هم کارهای تو را ثبت کرده است. اینک ما را عفو کن و ببخش چنانچه تو امیدواری خدا از گناهان تو بگذرد. بیاد آر آن روزی که با خفت و خواری در پیشگاه عدل الهی می‌ایستی، آن خدائی که به اندازه خردلی ستم روا نمی‌دارد، همان مقدار کم را هم در قیامت به حساب می‌آورد، از ما در گذر که خدا از تو در گذرد که در قرآن آمده:

«وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»^۱

پس عفو کنید و چشم پوشی کنید آیا نمی‌خواهید خدا شما را ببخشد». حضرت سخنان خود را به غلامان خود تلقین می‌کرد و آنان تکرار می‌کردند و با نوای جانسوز اشک می‌ریخت و می‌گفت: «پروردگارا! تو دستور گذشت به ما داده‌ای از ما نیز در گذر! خدایا! تو به عفو و گذشت از ما شایسته‌تری! به ما گفته‌ای که سائل را از در خانه خود محروم و ناامید برنگردانید. اینک به امید بخشایش، در خانه‌ات آمده‌ایم. از تو می‌خواهیم بر ما کرم فرمایی. پروردگارا! بر بنده خود منت گذار و ناامیدم مکن و مرا جزو کسانی قرار ده که از عطایای تو بهره‌مند گشته‌اند». آن گاه به غلامان خود رو کرده و می‌فرمودند: «من از شما گذشتم آیا شما هم مرا بخشیدید و از کوتاهی

۱. سوره نور، آیه ۲۲.

۲. بحار الانور، ج ۹۶، ص ۳۷۴.

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۸۷.

و قصوری که نسبت به شما کرده‌ام گذشتید؟ اگر من مالک ستمگر شما بوده‌ام، خود هم تحت قدرت مالکی دادگر هستم». غلامان عرض می‌کردند: «ای مولای ما! با اینکه هرگز به ما بدی نکرده‌اید شما را بخشیدیم». سپس حضرت می‌فرمود:

«پس بگوید اللهم عفا عن علی بن الحسین کما عفا فاعتقه من النار کما اعتق رقابنا من الرق؛ بار خدایا! از علی بن الحسین بگذر، چنانچه او از ما گذشت و او را از آتش جهنم آزاد کن همان طوری که ما را از بندگی خود آزاد کرد». سپس حضرت، خود می‌گریست و در آخر گفتار آنها آمین می‌گفت و می‌فرمود: «شما را آزاد کردم به امید اینکه خداوند هم مرا ببخشد» و آنها را آزاد می‌ساخت و هر ساله حدود بیست نفر از آنان را در عید فطر آزاد می‌فرمودند.^۱

گوش تواند که همه عمر وی	نشنود آواز دف و چنگ و نی
دیده شکبید ز تماشای باغ	بی گل و نسرين به سر آرد دماغ
گر نبود بالش آکنده پَر	خواب توان کرد حجر زیر سر
این شکم خیره سر پیچ پیچ	صبر ندارد که بسازد به هیچ

۱۰

(۲)

رضای الهی

دعای روز دوم:

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَبِّئْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ
وَقِمَاتِكَ، وَوَقِّنِي فِيهِ لِقَرَأَةِ آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

بار خدایا در این روز مرا به خشنودی‌هایت نزدیک گردان
و از خشم و انتقامت دور کن و بر خواندن آیات موفق
گردان، به مهربانیت ای دلسوزترین مهربانان.

اهمیت رضا به قضای الهی

امام صادق (ع) فرمود: «به راستی داناترین مردم نسبت به خدا، راضی‌ترین
آنهاست به قضای خدا».^۱

ابن سنان می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم: مؤمن چگونه بداند که
مؤمن است؟ امام فرمود: «بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَالرِّضَا فِيهَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُورٍ أَوْ سَخَطٍ؟»^{۱۱}
به واسطه تسلیم به امر خدا و راضی بودن بر آنچه که بر او از شادی و غم وارد
می‌شود.»

ما را خواهی ز خویشتن دست بشوی

خود را یله کن پس آنگهی ما را جوی

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۹۰ (شش جلدی).

۲. همان، ص ۱۹۶.

۱. مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۵۸.

مرگ کودکی

روزی جمعی از شیعیان به خانه امام باقر علیه السلام آمدند. آن روز، یکی از فرزندان امام به شدت بیمار و بستری بود و این مسئله سبب ناراحتی امام شده بود؛ به گونه‌ای که مهمانان امام، نگران حال امام شدند و با خود گفتند: اگر حادثه‌ای برای فرزند امام رخ دهد حتماً از شدت ناراحتی برای امام اتفاقی می‌افتد. چندی نگذشت که صدای شیون زنان از اتاق مجاور بلند شد و امام سراسیمه داخل اتاق رفت. همگی دانستند که فرزند امام از دنیا رفته است. آنها بیشتر نگران حال امام شدند، اما وقتی امام از اتاق بیرون آمد، برخلاف انتظار، او را نگران نیافتند. علت را از او پرسیدند. وی در پاسخ فرمود: «ما نیز دوست داریم که عزیزانمان در سلامتی به سر برند، اما وقتی که امر خداوند نازل شد، رضای او را بیشتر دوست می‌داریم و تسلیم امر او می‌شویم».^۱

تا شعله عشق تو بر افروخته شد جان و دل عشاق همه سوخته شد
آن را که دلش به وصلت افروخته شد از هر دو سرای چشم او دوحته شد

دوست بهشتی ۱۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که نزد شخصی برود و به او مژده دهد که هم‌نشین او در بهشت خواهد بود. داوود علیه السلام به خانه آن مرد رفت و او را از فرمان و مژده خداوند آگاه ساخت، ولی وی بسیار شگفت زده شد که چگونه ممکن است او به پاداشی چنین دست یافته باشد. از این رو، از راز این مژده بزرگ پرسید، وی پاسخ داد: «من فردی هستم

که هرگاه ناگواری و رنجی برایم پیش آید، هر قدر سخت و طاقت‌فرسا باشد، هرگز از خدا نمی‌خواهم که آن را برطرف سازد و فقط شکر آن را به جا می‌آورم». امام در پایان افزود: این همانا شیوه پروردگار است که چنین بر بندگان خود برگزیده است.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۹.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۱؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴.

خردورزی و دوری از نادانی

دعای روز سوم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ، وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ
السَّفَاهَةِ وَالتَّمُوهِ، وَاجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ
فِيهِ، بِجُودِكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ.

بار خدایا در این روز بر من هوشیاری روزی کن و از
بی‌عقلی و دروغ آرائی دور نما و بر من بهره‌ای از هر
خیری که نازل می‌کنی قرار ده، به بخشش تو ای
بخشنده‌ترین بخشنندگان.

حال نیک خردورزان

۱. امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه از نیک حالی مردی مطلع شدید در
نیکویی خردش نظر کنید، چه این که مرد به سبب خردش پاداش
می‌گیرد».^۱

۱۴

۲. امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه خواستی در یک مجلس، مردی را
در خردمندی‌اش بیازمایی، در بین گفتگویت با او، از چیزی که
نباید بشود، خبر ده (مطلب غیر منتظره‌ای بگو). آن گاه که آن را
انکار کرد بدان که عاقل است و اگر آن را تصدیق نمود بدان که احمق
است».^۲

۲. همان.

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۰.

ارزش انسان‌ها

امام هادی (ع) در مجلسی نشسته بودند و گروهی از بنی‌هاشم و سادات علوی
هم حضور داشتند. مرد دانشمندی که از شیعیان و طرفداران حضرت بود
وارد مسجد شد که پیشتر گروهی از ناصبی‌ها و دشمنان اهل بیت را با دلایل و
براهین خود مجاب ساخته بود. امام هادی (ع) او را نزد خود نشانید و بسیار
احترام کرده و با او مشغول صحبت شد. گروهی از بنی‌هاشم و سادات
اعتراض کردند که چرا او را از ما بالاتر نشانیدی؟ امام فرمود:

«آیا خدا نمی‌فرماید ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱.
خداوند عالم مؤمن را بر مؤمن غیر عالم مقدم داشته هم چنان که مؤمن را بر
غیر مؤمن ترجیح داده است. آیا کسی که می‌داند با کسی که نمی‌داند یکسان
است؟ مقام او را خدا بلند داشته چرا که او دشمن دین (ناصبی‌ها) را شکست
داده. شرف مرد به دانش است نه به نسب او».^۲

نابخردان

شخصی غلامش را فرستاد تا انگور و انجیر بخرد. غلام به بازار رفت و بعد از
مدتی برگشت در حالی که فقط انگور خریده بود. خواجه با ناراحتی به او
گفت: «مگر به تو نگفتم انجیر هم بخر؟ از این به بعد حتی اگر یک کار را به تو
امر کردم تو باید دو کار انجام دهی!».

دست بر قضا روزی خواجه بیمار شد و در بستر افتاد و غلام را دنبال
طبيب فرستاد. غلام نیز رفت و با یک طبیب و یک گورکن و یک تابوت
برگشت. خواجه تعجب کرد و از او پرسید: «نادان! من به تو گفتم فقط سراغ

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۹.

۱. سورة زمر، آیه ۹.

طیب برو اینها کیستند؟» غلام گفت: «شما خودت گفتی هر گاه یک امر کردم و پی کاری رفتی باید دو کار انجام دهی. اکنون طیب را برای معالجه آورده‌ام که اگر مفید واقع نشد تابوت و گورکن آماده باشد»^۱.

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت می‌کند بر زمین‌ات می‌زند نادان دوست

(۴)

شکرگزاری

دعای روز چهارم:

اَللّٰهُمَّ قَوِّنِيْ فِيْهِ عَلٰى اِقَامَةِ اَمْرِكَ، وَادِقِّنِيْ فِيْهِ حَلَاوَةَ
ذِكْرِكَ، وَ اَوْزِعْنِيْ فِيْهِ لِادَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْنِيْ
فِيْهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِيْنَ.

خدایا در این روز مرا در اجرای فرمانت نیرومند دار و
شیرینی یادت را بر من بچشان و در سپاسگزاری‌ات به
کرم خود برانگیزم و به نگهداری‌ات و پوششت مرا حفظ
کن ای بیناترین بینندگان.

اهمیت شکر

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «نعمتهای الهی فرار کننده هستند همان طوری که حیوانات وحشی فرار می‌کنند؛ پس آنها را با شکرگزاری به دام اندازید.»^۱
۲. در احوال پیامبر اعظم ﷺ نگاشته‌اند برای شکرگزاری از پروردگار آن قدر به نماز و عبادت نیمه شب می‌ایستاد که چهره‌اش زرد و پاهایش ورم می‌کرد. روزی شخصی (عایشه) به آن حضرت عرض می‌کند: چرا خود را این قدر به زحمت می‌اندازید؟ در پاسخ می‌فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ آیا بنده شکر گزار خداوند نباشم»^۲.

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۵۷ و ۲۸۷.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۲.

۱. راهنمای بهشت، ج ۳، ص ۲۹۱.

«مسمع بن عبدالملک» می‌گوید: در منی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودیم، که سائلی نزد حضرت آمد. حضرت مشغول خوردن انگور بود و امر فرمود که خوشه انگوری به سائل بدهند. سائل گفت: «من انگور نمی‌خواهم اگر سکه بدهید بهتر است». حضرت فرمود: «خدا به تو وسعت دهد» و چیزی به او نداد. بعد از مدتی سائل دیگری آمد و از حضرت تقاضای کمک کرد و حضرت فقط سه حبه انگور به او داد. سائل گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین الذی رزقنی» حضرت به او فرمود: «صبر کن!» آن گاه دو دست مبارک خود را پر از انگور کرد و به او داد. سائل گرفت و باز شکر خدا کرد. حضرت باز فرمود: «صبر کن!» و به غلام خود فرمود: «چند درهم همراه داری؟» غلام گفت: «بیست درهم». حضرت همه بیست درهم را به سائل داد و سائل گرفت و دوباره خدا را شکر کرد و گفت:

«الحمد لله رب العالمین هذا منك وحدک لا شریک لک». سپس حضرت به او فرمود: «به جای خود باش!» و پیراهن خود را از تن در آورد و به او داد و سائل گرفت و پوشید و شکر خدای را به جا آورد و از حضرت تشکر نمود و رفت. مسمع می‌گوید: «ما گمان می‌کردیم که اگر آن سائل متوجه آن حضرت نمی‌شد و پیوسته شکر خدا می‌کرد، حضرت نیز مدام به او عطا می‌کرد»^۱.

۱۸

توبه

دعای روز پنجم:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ الْقَانِتِيْنَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ اَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ، بِرَأْفَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

بار خدایا مرا در این روز از آمرزش خواهان قرار بده و مرا از بندگان نیکوکار و فرمان بردار بدار و در این روز مرا از دوست داران نزدیک خود بگردان، به مهربانی‌ات ای دلسوزترین مهربانان.

اهمیت توبه

۱. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «محبوب‌ترین بندگان نزد خدا انابه کنندگان و توبه کنندگان هستند»^۱.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا گناهان، گناهکاران را آلوده می‌سازد تا آنان را بسوزاند و چیزی جز استغفار آن را خاموش نمی‌کند»^۲.

شرایط توبه

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به فردی که در حضورش گفت: «استغفرالله» فرمود: مادرت به عزایت بنشیند. آیا می‌دانی که استغفار چیست؟ استغفار

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۶؛ ج ۱۲، ص ۱۱۹.

۱. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۸۷.

درجه کسانی است که در بالاترین جای بهشت مکان خواهند کرد و استغفار اسمی است که به شش معنی به کار برده می‌شود [و کامل می‌شود]؛ اول پشیمانی از گذشته، دوم تصمیم گرفتن بر عدم بازگشت به معصیت برای همیشه، سوم این که حقوقی که از آفریدگان خدا بر گردنت هست پردازی تا آنکه وقتی خدا را ملاقات می‌کنی گناهی برایت نمانده باشد، چهارم آنکه به فرائضی که آن را تباه ساخته‌ای پردازی و حقش را به جای آوری، پنجم آنکه گوشتی را که از غذای حرام روئیده است را با اندوه فراوان ذوب کنی تا پوست به استخوانت بچسبد و پس از آن گوشت جدیدی بر آن بروید، ششم آنکه به بدن خود سختی فرمان‌برداری را بپشانی همان گونه که شیرینی گناه را به آن چشانده‌ای. هر گاه که چنین کردی آن وقت بگو استغفرالله.^۱

چو پنجاه سالت برون شد ز دست غنیمت شمر پنج روزی که هست
مخسب ای گنه کرده خفته، خیز! به قدر گنه آب چشمی بریز

توبه مقبول

مردی بود که تمام عمر خود را در عصیان و سرکشی به سر برده و در تمام طول عمر عمل خیری از او سر نزده بود و همه از او به بدی یاد می‌کردند و از او نفرت داشتند. بالاخره روزی اجلش سر رسید و ملک‌الموت چنگ در گریبان او زد. مرد نیز چون عمر خود را رو به پایان و زندگی را بر باد رفته دید، اندکی در کارهای خود تأمل کرد و دید که در نامه عمل خود هیچ عمل خیری ندارد که بخواهد به آن دل خوش کند و همه سراسر سیاهی و فجور است. ناچار آهی از فراخنای وجود برکشید و بی اختیار گفت:

«یا من له الدنيا والاخرة ارحم من ليس له الدنيا والاخرة» این کلمه را گفت و جان از بدنش مفارقت کرد. خبر فوت مرد در شهر پیچید و مردم از فوت و خاموش شدن شعله شر او خوشحال شدند. بدن او را به زباله‌دانی برده و خس و خاشاک بر روی نعش او ریختند. شب یکی از بزرگان و صلحای شهر خواب می‌بیند که منادی به او ندا می‌دهد: «چرا بدن فلانی را در زباله‌دان انداخته‌اید. تو مأموری که او را از آنجا بیرون آورده غسل و کفن کنی و بر او نماز خوانده و در میان قبور اولیا و صلحا به خاک سپاری». عالم در خواب عرضه می‌دارد: «خدایا! او بدکردار و انسان غیر صالحی بود و معروف به عصیان بوده است. چه چیز موجبات قبول او را به درگاه حق فراهم آورده که من باید این کار را بکنم؟» خطاب آمد: «هنگامی که اجل او فرا رسید او دست خود را از همه جا کوتاه دید و عاجزانه از روی خلوص به درگاه ما نالید و این ناله عاجزانه و مفلسانه او باعث رحمت ما بر او گشته و دست در دامن فضل من زده است و لذا بر او رحمت کردیم و گناهانش را یکجا بخشیدیم و از عذاب خود نجاتش دادیم»^۱.

بازآ، بازآ، هر آنچه هستی بازآی گر کافر و گبر و بت پرستی باز آی
این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آی

توبه‌پذیری خداوند

شبی عارفی از کنار خانه‌ای می‌گذشت که صدای زنی را شنید که به شوهرش می‌گفت: «حتی اگر به من غذا هم ندهی و مرا هم بزنی و یا از من روی بگردانی، من از این خانه، جای دیگری نمی‌روم. آن عارف نعره‌ای زد و روی

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۶.

۱. معراج السعادة، ص ۶۱۶.

زمین افتاد و از هوش رفت. وقتی به هوش آمد، از او پرسیدند: چه اتفاقی افتاد که این گونه از هوش رفتی؟ گفت: ندایی به گوشم رسید که می‌گفت: اگر هزار بار هم گناه کنی و توبه نمایی از گناه تو خواهیم گذشت اما اگر از در خانه ما به کس دیگری پناه ببری از تو نخواهیم گذشت^۱.

توبه شکستی بیا، هر آنچه هستی بیا

امیدواری بجو ز نام غفار ما

در دل شب خیز و ریز، قطره اشکی ز چشم

که دوست دارم کند، گریه گنهکار ما

(۶)

غفلت

دعای روز ششم:

اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِيْ فِيْهِ لِتَعْرِضَ مَعْصِيَّتِكَ، وَلَا تَضْرِبْنِيْ بِسِيَاظِ نَقْمَتِكَ، وَ زَخْرِخْنِيْ فِيْهِ مِنْ مُّوْجِبَاتِ سَخَطِكَ، بِمَنِّكَ وَ اِيَادِكَ يَا مُنْتَهٰى رَغْبَةِ الرَّاغِبِيْنَ.

بار خدایا مرا در این روز به سبب نافرمانی خوار مکن و با تازیانه انتقامت مرا مزین و از انگیزه‌های خشم خود مرا کنار کش به منت و دستگیری تو ای غایت آرزوی علاقه‌مندان.

غفلت در دنیا

۱. «و هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی دشواری خواهد داشت.»^۱

۲. «هر کس از یاد خداوند دوری کند، شیطانی را بر او مسلط می‌کنیم تا همنشین او گردد.»^۲

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ساعتی که یاد خدا در آن نشود بر مؤمن نخواهد گذشت مگر آنکه باعث پشیمانی و حسرت او خواهد شد.»^۳

۱. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۲. سوره زحرف، آیه ۳۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۸۸.

۱. مصابیح القلوب، ص ۱۵۴.